

تأثیر آموزه‌های اخلاقی اسلامی بر شکل‌گیری نظام‌های داوری و میانجی‌گری مبتنی بر سنت‌های دینی

علیرضا مرشدی^۱

^۱ گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران

چکیده

داوری و میانجی‌گری، به‌عنوان دو شیوه مهم حل‌وفصل اختلافات، پیشینه‌ای دیرینه در سنت‌های دینی، فرهنگی و حقوقی جوامع دارند. در سنت اسلامی، این دو نهاد صرفاً ابزارهایی فنی برای پایان‌دادن به نزاع نیستند، بلکه عمیقاً با آموزه‌های اخلاقی همچون عدالت، صلح، احسان، وفای به عهد، امانت‌داری، ستر، عفو، کرامت انسانی، اصلاح ذات‌البین و پرهیز از خصومت پیوند خورده‌اند. اخلاق اسلامی با تأکید بر مسئولیت فردی و اجتماعی، تلاش می‌کند اختلاف را از سطح کشمکش صرف حقوقی به سطحی اخلاقی، انسانی و اجتماعی ارتقا دهد؛ به‌گونه‌ای که هدف نهایی نه فقط صدور حکم یا پایان ظاهری دعوا، بلکه بازسازی رابطه، رفع کینه، تحقق عدالت و حفظ همبستگی اجتماعی باشد. این مقاله با رویکرد توصیفی - تحلیلی، تأثیر آموزه‌های اخلاقی اسلامی را بر شکل‌گیری و توسعه نظام‌های داوری و میانجی‌گری دینی بررسی می‌کند. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که اصول اخلاق اسلامی از یک‌سو در مشروعیت‌بخشی به داوری و میانجی‌گری نقش داشته و از سوی دیگر در تعیین اوصاف داور و میانجی، شیوه رسیدگی، حدود مداخله، کیفیت سازش، ضمانت اخلاقی اجرای توافق و غایت اجتماعی حل اختلاف اثرگذار بوده است. همچنین مقایسه با ادبیات نوین حل اختلاف جایگزین نشان می‌دهد بسیاری از مفاهیمی که امروزه در نظریه‌های میانجی‌گری، عدالت ترمیمی و حل اختلاف مشارکتی مطرح می‌شوند، در سنت اخلاقی و فقهی اسلام سابقه‌ای قابل توجه دارند.

واژه‌های کلیدی: اخلاق اسلامی، داوری، میانجی‌گری، اصلاح ذات‌البین، عدالت، صلح، حل اختلاف دینی، حکمیت، عدالت ترمیمی.

۱. مقدمه

اختلاف، بخشی اجتناب‌ناپذیر از زندگی انسانی است. روابط خانوادگی، تجاری، اجتماعی و حتی دینی همواره در معرض تعارض منافع، سوء تفاهم، نقض تعهد و اختلاف برداشت قرار دارند. جوامع انسانی برای مهار این تعارض‌ها نهادهایی پدید آورده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها دادگاه، داوری، میانجی‌گری، مصالحه و سازوکارهای عرفی یا دینی حل اختلاف است. در میان این شیوه‌ها، داوری و میانجی‌گری جایگاهی ممتاز دارند؛ زیرا برخلاف دادرسی رسمی که غالباً بر الزام، تشریفات، تقابل طرفین و صدور رأی استوار است، داوری و میانجی‌گری می‌توانند بر اعتماد، رضایت، مشارکت و بازسازی روابط اجتماعی مبتنی باشند.

در سنت اسلامی، حل اختلاف صرفاً یک مسئله حقوقی نیست. قرآن کریم و سنت نبوی، اختلاف را امری می‌دانند که اگر مدیریت نشود، به دشمنی، قطع رحم، فساد اجتماعی، تضییع حقوق و فروپاشی پیوندهای ایمانی منجر می‌شود. از همین رو، آموزه‌هایی مانند «اصلاح ذات‌البین»، «صلح»، «عدل»، «احسان»، «تقوا»، «عفو» و «وفای به عهد» در کنار احکام فقهی مربوط به قضاوت، صلح و حکمیت قرار گرفته‌اند. قرآن کریم در آیه‌ای بنیادین می‌فرماید: «مؤمنان برادر یکدیگرند؛ پس میان برادران خود اصلاح کنید»؛ این گزاره نشان می‌دهد که اصلاح اختلاف، نه یک اقدام فرعی، بلکه وظیفه‌ای دینی و اخلاقی است (قرآن کریم، حجرات: ۱۰). همچنین قرآن در آیه‌ای دیگر صلح را خیر می‌داند: «وَالصُّلْحُ خَيْرٌ»؛ یعنی صلح ذاتاً مطلوب و برتر از استمرار نزاع است (قرآن کریم، نساء: ۱۲۸).

اهمیت بحث در آن است که بخش قابل توجهی از نظام‌های سنتی داوری و میانجی‌گری در جوامع مسلمان، از جمله در حوزه خانواده، معاملات، روابط قبیله‌ای، محلی و صنفی، تحت تأثیر همین آموزه‌های اخلاقی شکل گرفته‌اند. در این نظام‌ها، داور یا میانجی تنها شخصی آگاه به قواعد حقوقی نیست، بلکه باید مورد اعتماد، عادل، امین، خیرخواه و دارای توان اخلاقی برای نزدیک کردن دل‌ها باشد. بنابراین، بدون فهم اخلاق اسلامی، تحلیل تاریخی و نظری داوری و میانجی‌گری دینی ناقص خواهد بود.

پرسش اصلی مقاله این است که آموزه‌های اخلاقی اسلامی چه نقشی در شکل‌گیری، مشروعیت، کارکرد و تحول نظام‌های داوری و میانجی‌گری مبتنی بر سنت‌های دینی داشته‌اند؟ فرضیه مقاله آن است که اخلاق اسلامی، هم در سطح مبانی نظری و هم در سطح روش عملی، به داوری و میانجی‌گری جهت داده و آن‌ها را از نهادهایی صرفاً اختلاف‌زدا به ابزارهایی برای تحقق عدالت، صلح اجتماعی و اصلاح روابط انسانی تبدیل کرده است.

۲. روش تحقیق و چارچوب نظری

روش این مقاله توصیفی - تحلیلی است. در بخش توصیفی، مهم‌ترین آموزه‌های اخلاق اسلامی مرتبط با حل اختلاف معرفی می‌شود. در بخش تحلیلی، تأثیر این آموزه‌ها بر نهادهای داوری و میانجی‌گری بررسی می‌گردد. منابع تحقیق شامل قرآن کریم، حدیث، متون فقهی و اخلاقی اسلامی، آثار حقوقی داخلی و ادبیات خارجی مربوط به حل اختلاف جایگزین، میانجی‌گری و عدالت‌ترمیمی است.

چارچوب نظری مقاله بر این مبنا استوار است که نهادهای حل اختلاف در هر جامعه، صرفاً محصول قواعد حقوقی نیستند، بلکه از فرهنگ، دین، اخلاق، ساختار اجتماعی و تصور جامعه از عدالت تأثیر می‌پذیرند. پژوهشگران حوزه جامعه‌شناسی حقوق نشان داده‌اند که بسیاری از جوامع پیشامدرن و حتی مدرن، علاوه بر دادگاه‌های رسمی، از نظام‌های غیررسمی و نیمه‌رسمی برای

حل اختلاف استفاده می‌کنند که در آن‌ها عرف، اخلاق، منزلت اجتماعی و ارزش‌های دینی نقش مهمی دارند (الیکسن، ۱۹۹۱؛ آرباخ، ۱۹۸۳). در ادبیات معاصر حل اختلاف، میانجی‌گری روشی دانسته می‌شود که به جای تمرکز صرف بر حق قانونی، بر منافع، ارتباط، گفت‌وگو و توافق پایدار تأکید دارد (مور، ۲۰۱۴؛ فیشر و یوری، ۲۰۱۱). این نگاه با بسیاری از آموزه‌های اخلاقی اسلامی، به‌ویژه اصلاح ذات‌البین، احسان و عفو، قابل مقایسه است.

۳. مفاهیم بنیادین

۳-۱. اخلاق اسلامی

اخلاق اسلامی مجموعه‌ای از فضایل، ارزش‌ها، قواعد و ملکات نفسانی است که رفتار فردی و اجتماعی انسان را بر اساس آموزه‌های وحیانی، عقل اخلاقی و سنت پیامبر اسلام سامان می‌دهد. اخلاق اسلامی تنها به رفتار فردی محدود نمی‌شود، بلکه حوزه‌هایی مانند خانواده، تجارت، قضاوت، سیاست اجتماعی، روابط همسایگی، صلح، جنگ، داوری و میانجی‌گری را نیز دربرمی‌گیرد.

در منابع اسلامی، اخلاق با مفاهیمی چون تقوا، عدالت، احسان، صدق، امانت، حلم، عفو، صبر، تواضع، وفای به عهد و خیرخواهی پیوند دارد. پیامبر اسلام هدف بعثت خود را تکمیل مکارم اخلاق معرفی کرده است؛ روایتی که در منابع حدیثی و اخلاقی اسلامی جایگاه بسیار مهمی دارد (مالک بن انس، ۱۴۰۶ق؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق). این روایت نشان می‌دهد که اخلاق نه امری حاشیه‌ای، بلکه غایت مهم دینداری است.

۳-۲. داوری

داوری در معنای حقوقی، روشی برای حل اختلاف است که در آن طرفین، شخص یا اشخاصی را برای رسیدگی و صدور رأی انتخاب می‌کنند و توافق می‌نمایند که تصمیم آنان را بپذیرند. در فقه اسلامی، مفهوم «تحکیم» به داوری نزدیک است. تحکیم بدین معناست که دو طرف اختلاف، شخصی را به‌عنوان «حکَم» برگزینند تا بر اساس موازین شرعی، عرفی یا توافقی میان آنان داوری کند. بسیاری از فقها درباره مشروعیت تحکیم بحث کرده و آن را در حدودی پذیرفته‌اند (سرخسی، ۱۴۰۶ق؛ ابن قدامه، ۱۴۰۵ق؛ کاسانی، ۱۴۰۶ق).

در حقوق معاصر نیز داوری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شیوه‌های حل اختلاف جایگزین شناخته می‌شود و در حوزه تجارت داخلی و بین‌المللی گسترش یافته است. در حقوق ایران، داوری در قانون آیین دادرسی مدنی پیش‌بینی شده و طرفین می‌توانند در بسیاری از دعاوی، اختلاف خود را به داور ارجاع دهند (قانون آیین دادرسی مدنی، ۱۳۷۹؛ شمس، ۱۳۹۱).

۳-۳. میانجی‌گری

میانجی‌گری فرآیندی است که در آن شخص ثالث بی‌طرف، بدون صدور رأی الزام‌آور، به طرفین کمک می‌کند تا با گفت‌وگو، شناخت منافع متقابل و کاهش تنش، به توافق برسند. میانجی‌گری برخلاف داوری، بر تصمیم شخص ثالث استوار نیست، بلکه بر رضایت و مشارکت طرفین تکیه دارد (مور، ۲۰۱۴؛ بول، ۲۰۱۱).

در سنت اسلامی، اصطلاح «اصلاح ذات‌البین» به‌خوبی با مفهوم میانجی‌گری دینی و اخلاقی هم‌پوشانی دارد. اصلاح ذات‌البین به معنای کوشش برای رفع کدورت، پایان‌دادن به نزاع، بازگرداندن صلح و ترمیم رابطه میان افراد یا گروه‌هاست. این مفهوم در قرآن و حدیث جایگاهی ممتاز دارد و گاه از بسیاری عبادات فردی برتر دانسته شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق؛ نهج‌البلاغه، نامه ۴۷).

۴. مبانی قرآنی داوری و میانجی‌گری اخلاقی

۴-۱. عدالت به‌عنوان بنیاد حل اختلاف

یکی از مهم‌ترین اصول اخلاقی اسلام، عدالت است. قرآن کریم بارها بر اقامه عدل تأکید کرده و آن را وظیفه‌ای عمومی دانسته است. آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» نشان می‌دهد که عدالت و احسان دو پایه بنیادین اخلاق اجتماعی‌اند (قرآن کریم، نحل: ۹۰). در آیه‌ای دیگر، مؤمنان مأمور شده‌اند که حتی نسبت به دشمنان نیز از عدالت خارج نشوند: «دشمنی گروهی شما را بر آن ندارد که عدالت نوزید؛ عدالت بوزید که به تقوا نزدیک‌تر است» (قرآن کریم، مائده: ۸).

این اصل در داوری و میانجی‌گری اهمیت مستقیم دارد. داور باید بی‌طرف، عادل و فارغ از هواهای نفسانی باشد. میانجی نیز هرچند رأی الزام‌آور صادر نمی‌کند، اما اگر فرایند میانجی‌گری را به‌گونه‌ای هدایت کند که یکی از طرفین به دلیل ضعف، ناآگاهی یا فشار اجتماعی از حق مسلم خود بگذرد، با روح عدالت اسلامی ناسازگار خواهد بود. بنابراین، اخلاق اسلامی صلح را مطلوب می‌داند، اما نه هر صلحی را؛ صلحی مطلوب است که با ظلم، اکراه، فریب و تضییع حق همراه نباشد.

۴-۲. صلح و اصلاح ذات‌البین

قرآن کریم در چندین آیه بر اصلاح میان مردم تأکید کرده است. آیه «وَالصُّلْحُ خَيْرٌ» یکی از مهم‌ترین مبانی قرآنی نهاد صلح و میانجی‌گری است (قرآن کریم، نساء: ۱۲۸). همچنین در آیه‌ای درباره اختلاف میان مؤمنان، دستور داده شده که میان آنان اصلاح شود و اگر گروهی تعدی کرد، با رعایت عدالت به صلح بازگردانده شود (قرآن کریم، حجرات: ۹). این آیه نشان می‌دهد که اصلاح، صرفاً توصیه اخلاقی فردی نیست، بلکه سازوکاری اجتماعی برای مدیریت تعارض است.

در سنت اسلامی، اصلاح ذات‌البین از جایگاهی بلند برخوردار است. در نهج‌البلاغه، امام علی در وصیت خود، اصلاح میان مردم را برتر از نماز و روزه مستحبی دانسته است (نهج‌البلاغه، نامه ۴۷). این تعبیر، اهمیت اجتماعی اخلاق اسلامی را آشکار می‌سازد؛ زیرا عبادت فردی هرچند ارزشمند است، اما جامعه‌ای که گرفتار نزاع، کینه و خصومت باشد، از تحقق اهداف اخلاقی دین فاصله می‌گیرد.

۴-۳. وفای به عهد و الزام اخلاقی توافق

یکی دیگر از مبانی اخلاقی داوری و میانجی‌گری، وفای به عهد است. قرآن کریم مؤمنان را به وفای به پیمان‌ها فرا می‌خواند: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به قراردادهای وفا کنید» (قرآن کریم، مائده: ۱). توافق داوری، قرارداد صلح و توافق حاصل از میانجی‌گری، همگی از مصادیق عهد و التزام‌اند. اگر طرفین پس از توافق، بدون دلیل موجه از اجرای آن خودداری کنند، نه تنها از نظر حقوقی ممکن است مسئول باشند، بلکه از منظر اخلاق اسلامی نیز نقض عهد کرده‌اند.

فقه‌های اسلامی نیز در باب صلح و شروط ضمن عقد، وفای به تعهدات مشروع را لازم دانسته‌اند. قاعده «المؤمنون عند شروطهم» در فقه اسلامی جایگاه مهمی دارد و مبنای الزام به شروط و توافقات مشروع محسوب می‌شود (حر عاملی، ۱۴۰۹ق؛ انصاری، ۱۴۱۵ق). بنابراین، اخلاق اسلامی با تقویت پایبندی درونی افراد به وعده‌ها، ضمانت اجرای اخلاقی نهادهای داوری و میانجی‌گری را افزایش می‌دهد.

۴-۴. عفو، احسان و گذشت

عدالت در اسلام اصل بنیادین است، اما اخلاق اسلامی در بسیاری موارد انسان را به مرتبه‌ای فراتر از عدالت، یعنی احسان و عفو، دعوت می‌کند. عدالت اقتضا می‌کند حق هر کس داده شود؛ اما احسان می‌تواند زمینه گذشت، ترمیم رابطه و کاستن از خصومت را فراهم آورد. قرآن کریم می‌فرماید: «بدی و نیکی برابر نیستند؛ بدی را به بهترین شیوه دفع کن، آنگاه کسی که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی صمیمی می‌شود» (قرآن کریم، فصلت: ۳۴).

این آموزه در میانجی‌گری اهمیت ویژه‌ای دارد. بسیاری از اختلافات، به‌ویژه اختلافات خانوادگی، همسایگی و اجتماعی، تنها با اجرای خشک حق قانونی پایان نمی‌یابند. ممکن است رأی دادگاه اختلاف را ظاهراً تمام کند، اما کینه باقی بماند. در چنین مواردی، عفو و احسان می‌تواند کارکردی ترمیمی داشته باشد. البته عفو در اخلاق اسلامی نباید به ابزاری برای تثبیت ظلم تبدیل شود؛ بلکه زمانی فضیلت است که از سر کرامت، آگاهی و اختیار باشد.

۵. داوری در سنت اسلامی و نقش اخلاق در آن

۱-۵. پیشینه حکمیت در جامعه اسلامی

نهاد حکمیت در جامعه عرب پیش از اسلام نیز وجود داشت، اما اسلام آن را در چارچوبی اخلاقی و توحیدی بازتعریف کرد. در جوامع قبیله‌ای، داور معمولاً شخصی صاحب منزلت، تجربه و نفوذ اجتماعی بود. اسلام این سنت را به‌طور کامل نفی نکرد، بلکه معیارهایی مانند عدالت، تقوا، امانت و رعایت حق را بر آن افزود. بدین ترتیب، داوری از ابزاری صرفاً عرفی به نهادی متأثر از اخلاق دینی تبدیل شد.

در فقه اسلامی، تحکیم به‌عنوان یکی از مباحث مرتبط با قضا مطرح شده است. برخی فقها حکم داور منتخب طرفین را در مواردی معتبر دانسته‌اند، مشروط بر اینکه داور شرایط لازم مانند عدالت، علم، اهلیت و بی‌طرفی را داشته باشد (سرخسی، ۱۴۰۶ق؛ ابن رشد، ۱۴۰۴ق؛ ابن قدامه، ۱۴۰۵ق). در این نگاه، داور صرفاً شخصی مرضی‌الطرفین نیست، بلکه باید صلاحیت اخلاقی و حقوقی داشته باشد.

۲-۵. اوصاف اخلاقی داور

اخلاق اسلامی بر شخصیت داور تأکید فراوان دارد. داور باید دارای ویژگی‌هایی باشد که اعتماد طرفین را جلب و امکان صدور رأی عادلانه را فراهم کند. مهم‌ترین این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

الف) عدالت

عدالت، نخستین شرط اخلاقی داور است. داوری که به یکی از طرفین گرایش داشته باشد یا تحت تأثیر خویشاوندی، مال، مقام یا ترس قرار گیرد، نمی‌تواند داوری اخلاقی و اسلامی انجام دهد. در منابع فقهی، عدالت قاضی و داور از شرایط مهم اعتبار رسیدگی دانسته شده است (نجفی، ۱۴۰۴ق؛ خویی، ۱۴۱۰ق).

ب) امانت‌داری

داور در جایگاهی قرار می‌گیرد که اسرار، اسناد و دعاوی طرفین نزد او آشکار می‌شود. بنابراین، امانت‌داری یکی از فضایل ضروری داوری است. قرآن کریم فرمان می‌دهد که امانت‌ها به اهل آن سپرده شود و هنگام حکم میان مردم، به عدالت حکم شود (قرآن کریم، نساء: ۵۸). این آیه پیوند روشنی میان امانت و داوری عادلانه برقرار می‌کند.

ج) علم و بصیرت

داور باید نسبت به موضوع اختلاف، قواعد حقوقی و عرف حاکم آگاهی داشته باشد. اخلاق اسلامی صدور حکم بدون علم را نکوهش می‌کند. قرآن از پیروی چیزی که انسان به آن علم ندارد نهی می‌کند (قرآن کریم، اسراء: ۳۶). بنابراین، داوری اخلاقی تنها با نیت خیر حاصل نمی‌شود، بلکه نیازمند دانش، تخصص و دقت است.

د) حلم و خویشتن‌داری

فرایند داوری معمولاً با تنش، اتهام و هیجان همراه است. داور باید حلم، صبر و قدرت مدیریت گفت‌وگو داشته باشد. در سنت اخلاقی اسلامی، حلم از فضایل بزرگ شمرده شده و در مدیریت نزاع نقشی اساسی دارد (نراقی، ۱۳۷۸؛ غزالی، ۱۴۱۶ق).

۳-۵. اخلاق در فرایند داوری

اخلاق اسلامی نه تنها در انتخاب داور، بلکه در شیوه داوری نیز اثرگذار است. برخی از مهم‌ترین اقتضانات اخلاقی فرایند داوری عبارت‌اند از:

۱. **استماع منصفانه سخنان دو طرف:** داور نباید پیش از شنیدن دفاع طرفین تصمیم بگیرد.
۲. **پرهیز از جانبداری ظاهری و باطنی:** حتی رفتار، نگاه و لحن داور باید اعتماد طرفین را مخدوش نکند.
۳. **حفظ کرامت طرفین:** داوری نباید با تحقیر، سرزنش افراطی یا افشای غیرضروری اسرار همراه باشد.
۴. **تلاش برای صلح پیش از صدور رأی:** در بسیاری موارد، داور می‌تواند پیش از صدور حکم، زمینه مصالحه عادلانه را فراهم آورد.
۵. **پرهیز از اطاله و سخت‌گیری بی‌وجه:** اخلاق اسلامی تأخیر در احقاق حق را ناپسند می‌داند.

این اصول با معیارهای جدید دادرسی منصفانه و داوری حرفه‌ای نیز هماهنگ‌اند. در ادبیات معاصر داوری، بی‌طرفی، استقلال، رعایت حق دفاع، محرمانگی و سرعت از مهم‌ترین مزایای داوری دانسته شده‌اند (ردفرن و هانتز، ۲۰۱۵؛ شمس، ۱۳۹۱).

۶. میانجی‌گری دینی و اخلاق اصلاح ذات‌البین

۱-۶. میانجی‌گری به‌مثابه کنش اخلاقی

میانجی‌گری در سنت اسلامی، بیش از آنکه یک فن صرف مذاکره باشد، کنشی اخلاقی و عبادی تلقی می‌شود. فردی که برای اصلاح میان مردم اقدام می‌کند، در واقع برای کاهش دشمنی و تحقق صلح اجتماعی تلاش می‌نماید. در روایات اسلامی، اصلاح میان مردم ارزش فراوانی دارد و حتی در مواردی، برای جلوگیری از نزاع، سخن گفتن به‌گونه‌ای که موجب صلح شود، مجاز شمرده شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق).

این نگاه با نظریه‌های جدید میانجی‌گری نیز قابل مقایسه است. نظریه‌پردازان معاصر، میانجی‌گری را فرایندی می‌دانند که در آن طرفین فرصت می‌یابند روایت خود را بیان کنند، احساسات خود را مدیریت نمایند، منافع واقعی را بشناسند و به راه‌حل مشترک برسند (مور، ۲۰۱۴؛ منکل - میدو، ۲۰۰۱). در اخلاق اسلامی نیز اصلاح‌گر باید به سخنان طرفین گوش دهد، از تشدید اختلاف بپرهیزد، با زبان نرم سخن بگوید و راهی عادلانه برای صلح بیابد.

۲-۶. جایگاه نیت و خیرخواهی

یکی از تفاوت‌های مهم میان میانجی‌گری دینی و برخی الگوهای صرفاً فنی، اهمیت نیت است. در اخلاق اسلامی، ارزش عمل به نیت وابسته است. میانجی‌گر با انگیزه شهرت، منفعت شخصی یا جانبداری وارد اختلاف شود، از معیار اخلاقی فاصله می‌گیرد. در مقابل، میانجی‌گری که با نیت اصلاح، رضای خدا، حفظ آبرو و جلوگیری از ظلم اقدام کند، کنش او واجد ارزش اخلاقی و معنوی است.

خیرخواهی نیز عنصر محوری میانجی‌گری اسلامی است. قرآن کریم درباره اصلاح میان زن و شوهر، از داورانی از خانواده دو طرف سخن می‌گوید و می‌فرماید اگر آنان قصد اصلاح داشته باشند، خداوند میان آن دو سازگاری پدید می‌آورد (قرآن کریم، نساء: ۳۵). این آیه نشان می‌دهد که قصد اصلاح و نیت خیر، در موفقیت میانجی‌گری خانوادگی نقشی بنیادین دارد.

۳-۶. محرمانگی و حفظ آبرو

یکی از آموزه‌های مهم اخلاق اسلامی، حفظ آبروی مؤمن و پرهیز از افشای عیوب است. بسیاری از اختلافات خانوادگی و اجتماعی، اگر در دادگاه یا فضای عمومی مطرح شوند، به آبرو، حیثیت و آینده روابط آسیب می‌زنند. میانجی‌گری دینی با تأکید بر محرمانگی و ستر، می‌تواند اختلاف را در فضایی محدودتر، انسانی‌تر و کم‌هزینه‌تر حل کند.

در ادبیات جدید میانجی‌گری نیز محرمانگی یکی از اصول اساسی است؛ زیرا طرفین تنها زمانی صادقانه سخن می‌گویند که اطمینان داشته باشند اظهارات آنان علیه خودشان استفاده نخواهد شد (مور، ۲۰۱۴؛ بول، ۲۰۱۱). اخلاق اسلامی این اصل را نه فقط به‌عنوان تکنیک حرفه‌ای، بلکه به‌عنوان تکلیف اخلاقی و دینی می‌شناسد.

۴-۶. بازسازی رابطه به جای صرفاً پایان دعوا

میانجی‌گری اسلامی بر بازسازی رابطه تأکید دارد. اختلاف در نگاه اخلاقی، تنها تعارض ادعاها نیست، بلکه گاه نشانه آسیب در رابطه انسانی است. از این رو، میانجی‌گر باید بکوشد کینه، سوءظن و بی‌اعتمادی را کاهش دهد. این نگرش با نظریه عدالت

ترمیمی شباهت دارد؛ نظریه‌ای که هدف آن تنها مجازات یا تعیین مسئولیت نیست، بلکه ترمیم آسیب، بازگرداندن کرامت بزه‌دیده، پذیرش مسئولیت از سوی خطاکار و بازسازی پیوند اجتماعی است (زهر، ۲۰۱۵؛ براسویت، ۲۰۰۲).

در سنت اسلامی، مفاهیمی مانند توبه، عفو، جبران، حلالیت‌طلبی و اصلاح، ظرفیت‌های مهمی برای عدالت ترمیمی دارند. اگر شخصی حق دیگری را تضییع کرده باشد، صرف پشیمانی کافی نیست، بلکه باید حق را بازگرداند یا رضایت صاحب حق را جلب کند. این منطقی می‌تواند در میانجی‌گری‌های دینی، به‌ویژه در اختلافات خانوادگی، مالی، محلی و اجتماعی، نقش‌آفرین باشد.

۷. نقش اخلاق اسلامی در مشروعیت‌بخشی به نظام‌های داوری و میانجی‌گری دینی

۱-۷. مشروعیت دینی

داوری و میانجی‌گری در سنت اسلامی از پشتوانه نصوص دینی برخوردارند. آیات مربوط به حکمیت در اختلاف خانوادگی، اصلاح میان مؤمنان، وفای به عهد و عدالت، پایه‌های قرآنی این نهادها را تشکیل می‌دهند. به‌ویژه آیه ۳۵ سوره نساء که از تعیین حکم از خانواده زن و مرد در اختلاف زناشویی سخن می‌گوید، یکی از روشن‌ترین مستندات دینی برای میانجی‌گری و داوری خانوادگی است (قرآن کریم، نساء: ۳۵).

فقها نیز نهاد صلح را بسیار گسترده دانسته‌اند. صلح در فقه اسلامی گاه برای پایان دادن به دعا و گاه برای پیشگیری از دعا به کار می‌رود. همین گستردگی سبب شده است که صلح، انعطاف‌پذیرترین نهاد فقهی در حل اختلاف باشد (انصاری، ۱۴۱۵ق؛ امامی، ۱۳۷۸؛ کاتوزیان، ۱۳۸۵).

۲-۷. مشروعیت اجتماعی

در جوامع دینی، مردم معمولاً به اشخاصی اعتماد می‌کنند که از نظر اخلاقی و دینی خوشنام باشند. به همین دلیل، عالمان دینی، بزرگان محلی، ریش‌سفیدان، معتمدان و افراد صاحب تجربه، در بسیاری از موارد نقش داور یا میانجی را بر عهده داشته‌اند. مشروعیت این افراد بیش از آنکه از قدرت رسمی ناشی شود، از اعتماد اجتماعی، حسن شهرت، تقوا و انصاف آنان سرچشمه می‌گیرد.

مطالعات جامعه‌شناسی حقوق نشان می‌دهد که نظم اجتماعی در بسیاری از جوامع تنها با قانون رسمی حفظ نمی‌شود، بلکه هنجارهای غیررسمی، عرفی و اخلاقی نقش مهمی در حل اختلاف دارند (الیکسن، ۱۹۹۱؛ مری، ۱۹۸۸). در جوامع اسلامی نیز اخلاق دینی، پشتوانه‌ای برای پذیرش داوری و میانجی‌گری فراهم کرده است.

۳-۷. مشروعیت اخلاقی

گاه ممکن است یک توافق از نظر شکلی معتبر باشد، اما از نظر اخلاقی ناعادلانه تلقی شود. اخلاق اسلامی مشروعیت حل اختلاف را تنها به رضایت ظاهری طرفین محدود نمی‌کند، بلکه به عدالت، نبود اکراه، نبود فریب، رعایت کرامت و حفظ حقوق

اشخاص ضعیف نیز توجه دارد. بنابراین، میانجی‌گری یا داوری دینی زمانی مشروعیت اخلاقی دارد که نتیجه آن با انصاف و کرامت انسانی سازگار باشد.

۸. اخلاق اسلامی و عناصر اصلی نظام‌های داوری و میانجی‌گری

۸-۱. اعتماد

اعتماد مهم‌ترین سرمایه داوری و میانجی‌گری است. بدون اعتماد، طرفین حاضر نمی‌شوند اسرار خود را بیان کنند یا به تصمیم داور تن دهند. اخلاق اسلامی با تأکید بر صداقت، امانت، تقوا و وفای به عهد، زمینه اعتماد را فراهم می‌کند. به همین دلیل، در سنت‌های دینی، شخصیت اخلاقی داور یا میانجی‌گانه از دانش فنی او مهم‌تر تلقی شده است؛ هرچند در الگوی مطلوب، اخلاق و تخصص باید توأمان وجود داشته باشند.

۸-۲. بی‌طرفی و انصاف

بی‌طرفی در داوری و میانجی‌گری، صرفاً یک قاعده حرفه‌ای نیست، بلکه فضیلتی اخلاقی است. قرآن کریم مؤمنان را به عدالت حتی علیه خود، والدین و نزدیکان فرا می‌خواند (قرآن کریم، نساء: ۱۳۵). این آیه از نظر اخلاقی بسیار مهم است؛ زیرا نشان می‌دهد عدالت نباید قربانی خویشاوندی، عاطفه یا منفعت شود.

۸-۳. گفت‌وگو

میانجی‌گری بر گفت‌وگو استوار است. اخلاق اسلامی نیز گفت‌وگوی نیکو، سخن نرم و جدال احسن را توصیه می‌کند. قرآن فرمان می‌دهد که با مردم به نیکی سخن گفته شود (قرآن کریم، بقره: ۸۳) و در دعوت و مجادله، از حکمت و موعظه نیکو استفاده گردد (قرآن کریم، نحل: ۱۲۵). این آموزه‌ها می‌توانند مبنای اخلاق ارتباطی در میانجی‌گری باشند.

۸-۴. مسئولیت‌پذیری

در بسیاری از اختلافات، هر طرف خود را کاملاً محق و دیگری را کاملاً مقصر می‌داند. میانجی‌گری اخلاقی باید طرفین را به مسئولیت‌پذیری دعوت کند. اخلاق اسلامی با مفاهیمی چون محاسبه نفس، توبه، جبران حق و پرهیز از ظلم، افراد را به بازنگری در رفتار خویش فرا می‌خواند. این امر می‌تواند راه را برای پذیرش خطا و توافق پایدار باز کند.

۸-۵. کرامت انسانی

اسلام انسان را دارای کرامت می‌داند (قرآن کریم، اسراء: ۷۰). بر این اساس، حتی فرد خطاکار نیز نباید تحقیر شود. در داوری و میانجی‌گری، حفظ کرامت طرفین اهمیت دارد؛ زیرا تحقیر، مقاومت و دشمنی را افزایش می‌دهد، اما احترام، امکان پذیرش راه‌حل را بیشتر می‌کند.

۹. داوری و میانجی‌گری در خانواده از منظر اخلاق اسلامی

خانواده یکی از مهم‌ترین عرصه‌های کاربرد داوری و میانجی‌گری دینی است. اختلافات خانوادگی معمولاً ابعاد عاطفی، اقتصادی، اخلاقی و اجتماعی دارند و حل آن‌ها تنها با حکم قضایی ممکن نیست. قرآن کریم در اختلاف شدید میان زن و شوهر، پیشنهاد می‌کند داوری از خانواده مرد و داوری از خانواده زن تعیین شوند تا برای اصلاح تلاش کنند (قرآن کریم، نساء: ۳۵).

این آیه چند نکته مهم دارد:

۱. اولویت اصلاح بر جدایی: هدف نخست، بازگرداندن سازگاری است.
۲. استفاده از افراد نزدیک و مورد اعتماد: داوران خانوادگی معمولاً با شرایط واقعی زوجین آشنا ترند.
۳. اهمیت نیت اصلاح: قرآن موفقیت را به قصد اصلاح داوران پیوند می‌دهد.
۴. ترکیب اخلاق و داوری: داوران خانوادگی باید فقط حکم ندهند، بلکه برای ترمیم رابطه بکوشند.

در حقوق ایران نیز نهاد داوری و مشاوره در دعاوی خانوادگی مورد توجه قرار گرفته است. هرچند سازوکارهای قانونی مدرن با الگوی قرآنی کاملاً یکسان نیستند، اما ریشه اخلاقی توجه به صلح خانوادگی را می‌توان در سنت اسلامی مشاهده کرد (قانون حمایت خانواده، ۱۳۹۱؛ صفایی و امامی، ۱۳۹۲).

۱۰. نسبت اخلاق اسلامی با نظریه‌های نوین حل اختلاف جایگزین

۱-۱۰. هم‌سویی با حل اختلاف مشارکتی

در نظریه‌های جدید حل اختلاف جایگزین، تأکید بر مشارکت طرفین، کاهش هزینه‌ها، سرعت، محرمانگی، انعطاف‌پذیری و حفظ روابط است (مور، ۲۰۱۴؛ بول، ۲۰۱۱). اخلاق اسلامی نیز بسیاری از این اهداف را تأیید می‌کند، به‌ویژه وقتی اختلاف میان افرادی رخ می‌دهد که ناگزیر از ادامه رابطه‌اند؛ مانند اعضای خانواده، همسایگان، شرکا یا اعضای یک جامعه محلی.

۲-۱۰. هم‌سویی با عدالت ترمیمی

عدالت ترمیمی می‌کوشد به جای تمرکز صرف بر مجازات یا پیروزی یکی از طرفین، آسیب ایجادشده را ترمیم کند و گفت‌وگویی مسئولانه میان زیان‌دیده، خطاکار و جامعه برقرار سازد (زهر، ۲۰۱۵). این رویکرد با مفاهیمی مانند توبه، جبران، عفو، حلالیت و اصلاح در اخلاق اسلامی قابل مقایسه است.

۳-۱۰. تفاوت با رویکردهای صرفاً کارکردگرایانه

با وجود هم‌سویی‌های یادشده، اخلاق اسلامی داوری و میانجی‌گری را فقط از منظر کارآمدی نمی‌بیند. در برخی نظریه‌های جدید، میانجی‌گری ممکن است عمدتاً به‌عنوان ابزار کاهش بار دادگاه‌ها یا کاهش هزینه‌ها معرفی شود. اما در اخلاق اسلامی،

حل اختلاف افزون بر کارکرد اجتماعی، ارزش معنوی و اخلاقی دارد. اصلاح میان مردم، عبادت اجتماعی و نشانه مسئولیت ایمانی است.

۱۱. آسیب‌ها و چالش‌های داوری و میانجی‌گری دینی

با وجود ظرفیت‌های فراوان، نظام‌های داوری و میانجی‌گری مبتنی بر سنت‌های دینی ممکن است با آسیب‌هایی مواجه شوند. تحلیل علمی اقتضا می‌کند این چالش‌ها نیز بررسی شوند.

۱-۱۱. خطر جانبداری

اگر داور یا میانجی به دلیل خویشاوندی، تعلق گروهی یا منافع شخصی جانبدار باشد، اعتماد طرفین از میان می‌رود. اخلاق اسلامی به‌شدت با چنین جانبداری‌ای مخالف است و عدالت را حتی در برابر نزدیکان واجب می‌داند (قرآن کریم، نساء: ۱۳۵).

۲-۱۱. فشار اجتماعی برای گذشت

گاهی در میانجی‌گری‌های سنتی، از فرد ضعیف‌تر خواسته می‌شود برای حفظ آبرو یا آرامش جمعی از حق خود بگذرد. چنین گذشتی اگر همراه با اکراه، ترس یا ناآگاهی باشد، از نظر اخلاق اسلامی ارزشمند نیست. عفو زمانی فضیلت است که آزادانه و آگاهانه باشد.

۳-۱۱. فقدان تخصص

اعتماد اخلاقی کافی نیست. داور یا میانجی باید دانش حقوقی، روان‌شناختی و ارتباطی لازم را داشته باشد. در غیر این صورت، ممکن است با نیت خیر، نتیجه‌ای ناعادلانه ایجاد کند. از این رو، نظام مطلوب باید میان صلاحیت اخلاقی و تخصص حرفه‌ای جمع کند.

۴-۱۱. تعارض میان محرمانگی و حمایت از حقوق اساسی

محرمانگی اصل مهمی است، اما نباید به پوشاندن خشونت، سوءاستفاده یا تزییع حقوق اشخاص آسیب‌پذیر منجر شود. اخلاق اسلامی حفظ آبرو را توصیه می‌کند، اما ظلم و تعدی را نیز نمی‌پذیرد. بنابراین، میانجی‌گری دینی باید میان ستر اخلاقی و حمایت از حق تعادل برقرار کند.

۵-۱۱. صلح ناعادلانه

هر صلحی مطلوب نیست. صلحی که بر پایه فریب، تهدید، نابرابری شدید یا نادیده‌گرفتن حقوق بنیادین باشد، با عدالت اسلامی ناسازگار است. بنابراین، میانجی نباید تنها به امضای توافق بیندیشد، بلکه باید عادلانه بودن فرایند و نتیجه را نیز در نظر گیرد.

۱۲. الگوی پیشنهادی برای داوری و میانجی‌گری مبتنی بر اخلاق اسلامی

بر اساس مباحث پیش‌گفته، می‌توان الگویی برای داوری و میانجی‌گری اخلاقی - اسلامی پیشنهاد کرد که عناصر اصلی آن عبارت‌اند از:

۱-۱۲. مبانی ارزشی

این الگو بر عدالت، احسان، اصلاح، کرامت، وفای به عهد، امانت و تقوا استوار است. هدف آن پایان‌دادن به اختلاف همراه با حفظ حق و ترمیم رابطه است.

۲-۱۲. شرایط داور و میانجی

داور و میانجی باید دارای حسن شهرت، عدالت، امانت‌داری، بی‌طرفی، توان گفت‌وگو، دانش حقوقی و مهارت ارتباطی باشند. در اختلافات تخصصی، آگاهی فنی نیز ضروری است.

۳-۱۲. اصول فرایندی

فرایند باید مبتنی بر رضایت، آگاهی، استماع برابر، محرمانگی، احترام، منع اکراه، منع فریب و امکان مشورت حقوقی باشد.

۴-۱۲. معیارهای نتیجه مطلوب

نتیجه مطلوب باید عادلانه، قابل اجرا، روشن، متوازن، فاقد ابهام و همراه با تعهد اخلاقی طرفین باشد. اگر توافقی موجب تضییع آشکار حق یا استمرار ظلم شود، نباید به‌عنوان صلح مطلوب پذیرفته شود.

۵-۱۲. پیوند با نظام حقوقی رسمی

داوری و میانجی‌گری دینی نباید در تعارض با حقوق رسمی و حمایت‌های قانونی قرار گیرند. بلکه می‌توانند مکمل نظام قضایی باشند. پیوند مناسب میان اخلاق دینی و سازوکارهای حقوقی رسمی می‌تواند هم کارآمدی حل اختلاف را افزایش دهد و هم از سوءاستفاده‌های احتمالی جلوگیری کند.

نتیجه‌گیری

بررسی آموزه‌های اخلاقی اسلامی نشان می‌دهد که داوری و میانجی‌گری در سنت دینی اسلام، نهادهایی صرفاً فنی یا تشریفاتی نیستند، بلکه بر شبکه‌ای از ارزش‌های اخلاقی عمیق استوارند. عدالت، احسان، اصلاح ذات‌البین، وفای به عهد، امانت‌داری، بی‌طرفی، عفو، حفظ کرامت انسانی و خیرخواهی از جمله اصولی هستند که هم مشروعیت داوری و میانجی‌گری را تأمین می‌کنند و هم کیفیت فرایند و نتیجه آن‌ها را شکل می‌دهند. در این چارچوب، حل اختلاف مطلوب آن است که نه تنها به نزاع پایان دهد، بلکه تا حد امکان به بازسازی اعتماد، کاهش خصومت، ترمیم روابط اجتماعی و استقرار صلح عادلانه منجر شود.

از منظر تاریخی نیز می‌توان گفت که سنت اسلامی، نهادهای عرفی پیشین حل اختلاف را بازتفسیر و اخلاقی کرده است. حکمیت و صلح که در جوامع پیشااسلامی سابقه داشتند، در پرتو آموزه‌های قرآنی و نبوی، به نهادهایی با معیارهای روشن اخلاقی تبدیل شدند. داور دیگر فقط فردی صاحب نفوذ نبود، بلکه می‌بایست عادل، امین، آگاه و بی‌طرف باشد. میانجی نیز صرفاً واسطه مصالحه نبود، بلکه «مصلح» به‌شمار می‌آمد؛ کسی که با نیت خیر، در پی ترمیم رابطه و جلوگیری از گسترش فساد اجتماعی است.

یافته‌های این مقاله همچنین نشان داد که بسیاری از مفاهیم مطرح در نظریه‌های نوین حل اختلاف جایگزین، مانند مشارکت طرفین، محرمانگی، انعطاف‌پذیری، بازسازی رابطه، ترمیم آسیب و توافق پایدار، در سنت اخلاقی و فقهی اسلام پیشینه‌ای قابل توجه دارند. با این حال، تفاوت مهم در آن است که اخلاق اسلامی این نهادها را صرفاً به دلیل کارآمدی یا کاهش هزینه‌ها توصیه نمی‌کند، بلکه برای آن‌ها ارزش اخلاقی و معنوی قائل است. از این منظر، اصلاح میان مردم نوعی عبادت اجتماعی و مسئولیت دینی محسوب می‌شود.

با وجود این ظرفیت‌ها، باید توجه داشت که ارجاع به سنت‌های دینی نباید به توجیه صلح‌های ناعادلانه، فشار بر افراد آسیب‌پذیر برای گذشت، جانبداری‌های خویشاوندی یا فقدان تخصص حرفه‌ای بینجامد. الگوی مطلوب داوری و میانجی‌گری مبتنی بر اخلاق اسلامی، الگویی است که میان فضیلت اخلاقی و استانداردهای حرفه‌ای جمع کند؛ یعنی هم از پشتوانه ارزشی دین بهره‌برد و هم به اصول دادرسی منصفانه، رضایت آگاهانه، منع اکراه، حمایت از حقوق اشخاص ضعیف و تخصص لازم پایبند باشد.

در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که اخلاق اسلامی نقشی بنیادین در شکل‌گیری و تداوم نظام‌های داوری و میانجی‌گری مبتنی بر سنت‌های دینی داشته است. این اخلاق، نه تنها غایت این نهادها را از «پایان اختلاف» به «تحقق عدالت و صلح اجتماعی» ارتقا می‌دهد، بلکه معیارهایی برای انتخاب داور و میانجی، شیوه گفت‌وگو، حدود سازش، مشروعیت توافق و ضمانت اخلاقی اجرای آن فراهم می‌آورد. از این رو، بازخوانی ظرفیت‌های اخلاق اسلامی در حوزه حل اختلاف، می‌تواند برای جوامع معاصر، به‌ویژه در طراحی الگوهای بومی، انسانی و کم‌هزینه حل منازعه، الهام‌بخش و راهگشا باشد.

پیشنهادها

بر پایه مباحث این پژوهش، می‌توان پیشنهادهای زیر را مطرح کرد:

۱. تدوین الگوی بومی میانجی‌گری و داوری با الهام از اخلاق اسلامی: نهادهای حقوقی و دانشگاهی می‌توانند با بهره‌گیری از منابع فقهی، اخلاقی و حقوقی، الگویی تلفیقی و استاندارد طراحی کنند.
۲. آموزش اخلاق حرفه‌ای به داوران و میانجی‌ها: صرف دانش حقوقی کافی نیست؛ داور و میانجی باید با اصولی مانند بی‌طرفی، حفظ محرمانگی، انصاف، منع اکراه و احترام به کرامت انسانی آشنا باشند.
۳. توجه ویژه به دعاوی خانوادگی و محلی: در این حوزه‌ها، میانجی‌گری اخلاقی و دینی می‌تواند از تشدید خصومت جلوگیری کند و روابط را ترمیم نماید.

۴. پژوهش‌های میان‌رشته‌ای بیشتر: تلفیق مطالعات فقه، اخلاق، حقوق، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی می‌تواند فهم عمیق‌تری از حل اختلاف دینی به دست دهد.
۵. پرهیز از استفاده ایزاری از مفاهیم عفو و صلح: این مفاهیم نباید وسیله‌ای برای نادیده‌گرفتن حقوق افراد آسیب‌پذیر شوند.
۶. تقویت پیوند میان نهادهای رسمی و غیررسمی حل اختلاف: بهره‌گیری از ظرفیت‌های اخلاقی و اجتماعی سنت‌های دینی در کنار نظارت حقوقی می‌تواند به کارآمدی و عدالت بیشتر بینجامد.

منابع

الف) منابع فارسی و عربی

- قرآن کریم.
- ابن قدامه، موفق‌الدین. (۱۴۰۵ق). المغنی. بیروت: دارالفکر.
- ابن رشد، محمد بن احمد. (۱۴۰۴ق). بدایة المجتهد و نهایة المقتصد. بیروت: دارالمعرفه.
- انصاری، مرتضی. (۱۴۱۵ق). المکاسب. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری.
- امامی، سیدحسن. (۱۳۷۸). حقوق مدنی، جلد ۲. تهران: اسلامیه.
- بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۲۲ق). صحیح البخاری. بیروت: دار ابن کثیر.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل‌البیت.
- خوبی، سیدابوالقاسم. (۱۴۱۰ق). مبانی تکملة المنهاج. قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی.
- ردفرن، آلن و هانتز، مارتین. (۲۰۱۵). قانون و رویه داورى تجارى بین‌المللى. چاپ ششم. آکسفورد: انتشارات دانشگاه آکسفورد.
- سرخسی، محمد بن احمد. (۱۴۰۶ق). المبسوط. بیروت: دارالمعرفه.
- سیدی، مهدی. (۱۳۹۵). «جایگاه صلح و سازش در حل‌وفصل دعاوی از منظر فقه و حقوق ایران». فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۸(۲)، ۱۰۱-۱۲۸.
- شمس، عبدالله. (۱۳۹۱). آیین دادرسی مدنی، جلد ۳. تهران: دراک.
- صفایی، سیدحسین و امامی، اسدالله. (۱۳۹۲). حقوق خانواده. تهران: میزان.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصرخسرو.
- غزالی، ابوحامد. (۱۴۱۶ق). احیاء علوم الدین. بیروت: دارالمعرفه.
- قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی. (۱۳۷۹).
- قانون حمایت خانواده. (۱۳۹۱).
- کاسانی، علاء‌الدین. (۱۴۰۶ق). بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۵). عقود معین، جلد ۴: صلح و هبه. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحارالانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مالک بن انس. (۱۴۰۶ق). الموطأ. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- مری، سلی انگل. (۱۹۸۸). «نظم بدون قانون: شیوه‌های حل اختلاف و اقتدار هنجاری در جوامع محلی». نشریه مطالعات حقوقی و انسان‌شناختی، ۱۲(۳)، ۴۵-۷۴.
- مور، کریستوفر. (۲۰۱۴). فرایند میانجی‌گری: راهبردهای عملی برای حل اختلاف. چاپ چهارم. سان‌فرانسیسکو: جاسی-باس.
- منکل - میدو، کری. (۲۰۰۱). «چشم‌اندازهای نو در حل اختلاف». در: دستنامه حل اختلاف. سان‌فرانسیسکو: جاسی-باس.
- نراقی، ملا احمد. (۱۳۷۸). معراج السعادة. قم: انتشارات هجرت.
- نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- نهج‌البلاغه. ترجمه و شرح‌های مختلف.

ب) منابع خارجی

- Auerbach, Jerold S. (۱۹۸۳). *Justice Without Law? Resolving Disputes Without Lawyers*. New York: Oxford University Press.
- Ellickson, Robert C. (۱۹۹۱). *Order Without Law: How Neighbors Settle Disputes*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Boule, Laurence. (۲۰۱۱). *Mediation: Principles, Process, Practice*. New York: Springer.
- Braithwaite, John. (۲۰۰۲). *Restorative Justice and Responsive Regulation*. Oxford: Oxford University Press.
- Fisher, Roger, and William Ury. (۲۰۱۱). *Getting to Yes: Negotiating Agreement Without Giving In* (۳rd ed.). New York: Penguin Books.
- Zehr, Howard. (۲۰۱۵). *The Little Book of Restorative Justice*. New York: Good Books.